



: درس تفسیر سوره مبارکه نور - جلسه ۱۶

حضرت آیت الله العظمی جوادى آملی دامت برکاته

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ (۳۰) وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنَى إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولَى الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۳۱)﴾

بررسی تعبیر روایی زمخشری درباره استئذان ورود در منازل

سوره مبارکه «نور» بخش مهمّ مسائل حجاب و عفاف را به همراه دارد لذا در حفظ زبان و در حفظ چشم، آیات فراوانی نازل کرده بخشی که مربوط به حفظ زبان بود گذشت بخشی که مربوط به ورود در منازل بود که اذن و استئذان لازم است آن هم گذشت این تعبیر جناب زمخشری در کشف گرچه مضمونش مطابق با آیات است (يك) و روایات اهل بیت (علیهم السلام) هم همین مضمون را تأیید می‌کند (دو) لکن عین این عبارت در جوامع روایی ما پیدا نشده و اگر در جوامع روایی آنها باشد يك عبارت بسیار پسندیده‌ای است که «مَنْ سَبَقَتْ عَيْنُهُ اسْتِئْذَانَهُ فَقَدْ دَمَرَ»^۱ این گونه از جمله‌ها به منزله کلمات قصار است و آموزنده است و تقیّه هم در کار نیست برای اینکه مطلبی است

۱. الکشاف، ج ۳، ص ۲۲۷؛ رک: تخریج الأحادیث و الآثار (زیلعی)، ج ۲، ص ۴۲۸.

حق، مطابق قرآن روایات ما هم از ائمه (علیهم السلام) همین مضمون را فرمودند ولی این تعبیر و این لفظ جامع پیدا نشده خب. بر زمخشری هم که نقل کرده ولی خب این فاصله است با مفاتیح یعنی چند قرن قبل از مفاتیح است زمخشری در کشف آن را دارد ولی در جوامع روایی آنها باشد.

بیان برخی نکات ادبی و مفاد آیه ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا﴾

اما راجع به حفظ چشم و آثار آن فرمود: ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا﴾ به مؤمنین بگو که چشمهای خود را بپوشانند گرچه این حکم برای همه است ولی چون مؤمنین بهره می‌برند و امثال می‌کنند مؤمن و مؤمنه را ذکر فرمود: ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ﴾ این ﴿قُلْ﴾ مفادش روشن نیست به مؤمنین بگو، چه چیزی بگو «غُضُّوا» در تعبیر است «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ غُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ» آنها هم ﴿يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ﴾ این ﴿يَغُضُّوا﴾ که مجزوم است و نونش افتاده چون جواب آن امری است که آن امر محذوف است «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ غُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ» آنها هم ﴿يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ﴾ که این مجزوم بودنش چون جواب آن امر است و همچنین «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ احْفَظُوا فُرُوجَهُمْ» آنها هم ﴿يَحْفَظُوا﴾ که نون می‌افتد ﴿فُرُوجَهُمْ﴾؛ ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ﴾.

معنای غضّ بصر و بیان راه تزکیه نفوس

مطلب بعدی آن است که از غضّ بصر و همچنین غمض بصر چشم‌پوشی منظور است نه اینکه چشمتان را بپوشید یعنی صرف نظر کنید یعنی نگاه نکنید اینکه می‌گویند چشم‌پوشی کرد یعنی صرف نظر کرد یعنی توجه نکرد، توجه نکنید به نامحرم و خودتان را هم حفظ کنید نه نگاه کنید نه بگذارید کسی نگاه کند و عملاً هم خودتان را حفظ بکنید ﴿وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ﴾ و این راه تزکیه نفوس است یعنی اگر خدای سبحان فرمود قرآن برای این آمده است که

﴿يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ﴾^۱ راه تزکیه نفوس همین رعایت چشم و گوش و امثال اینهاست که اینها مقدمات کار است وقتی این مبادی محفوظ ماند دلها هم محفوظ خواهد شد.

علم خداوند به افعال عباد و منظور از غَضّ و زینت

بعد فرمود: ﴿إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ﴾ هر کاری که مؤمنین انجام می دهند ذات اقدس الهی آگاه است قصدشان چیست انجام می دهند نمی دهند نگاه می کنند نمی کنند چقدر نگاه می کنند همه را ذات اقدس الهی خیر است. در بیانات نورانی حضرت امیر (سلام الله علیه) هم هست که «اتَّقُوا مَعَاصِيَ اللَّهِ فِي الْخَلَوَاتِ فَإِنَّ الشَّاهِدَ هُوَ الْحَاكِمُ»^۲ این درباره مردها، درباره زنها که وظیفه بیشتری دارند چون خدای سبحان آنها را سبکی آفریده که با جمال و شکوه همراه فرمود: ﴿وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ﴾ یعنی به آنها بگویید که «أَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِكُنَّ» آنها هم ﴿يَغْضُضْنَ﴾ که این هم در حقیقت، جواب آن امر مجزوم است ﴿وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ﴾ حفظ بکنند خودشان را خب که عفاف در جامعه حاکم باشد بعد فرمود: ﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا﴾ همان طوری که منظور از غَضّ و غَمَض چشم چشم پوشی است این پوشیدن فیزیکی مراد نیست که انسان چشم را روی هم می گذارد مگر در مورد ضرورت، معیار چشم پوشی است یعنی عدم توجه به نامحرم است منظور از زینت هم مواضع زینت است گرچه برخی از فقها نظیر مرحوم فاضل مقداد (فاضل سیوری) می گوید خود زینت معیار است نه مواضع زینت برای اینکه خود همین زینت، طلیعه گناه بود^۳ ولی ظاهراً منظور ابداء مواضع زینت است.

پرسش: ...

۱. سوره بقره، آیه ۱۲۹؛ سوره آل عمران، آیه ۱۶۴؛ سوره جمعه، آیه ۲.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۳۲۴.

۳. کنز العرفان، ج ۲، ص ۲۲۲.

پاسخ: بله دیگر، گاهی ظرافتِ کار مطرح است گاهی خیر بودن مطرح است گاهی عملِ ظاهری نشان می‌دهد گاهی خیلی رقت دارد مثلاً دربارهٔ قلب دارد که قلب مؤمن «بَيْنَ إِصْبَعَيْنِ مِنَ أَصَابِعِ الرَّحْمَنِ»^۴ است کارهای ظریف را معمولاً با سرانگشت انجام می‌دهند [تعبیر درباره] قلب از آن جهت که ظریف است نظیر ورق زدن صفحه کتاب است که انسان با سرانگشت انجام می‌دهد شما ببینید کارهایی نظیر بتّایی نظیر آهنگری این را با کل دست انجام می‌دهند اما کارهای ظریف را نظیر زرگری اینها با سرانگشت انجام می‌دهند نه با دست و ساعد و عضد و اینها، قلب هم از آن جهت که خیلی ظریف است با انگشت‌های خدا جابه‌جا می‌شود این گونه از امور هم که خیلی ظریف است با صنع و صنعت آمیخته است فرمود آنچه را که اینها به کار می‌برند با ریزه‌کاری‌هایشان مشهود خدای سبحان است خب.

موارد عدم وجوب ستر بر زنها و حکم آن

فرمود: «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ»^۵ یعنی مواضع زینت را «إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا»^۶ که معروف همان وجه و کفّین و امثال ذلك است منظور خود زینت نیست چون خود زینت اگر بیرون بدن باشد که یقیناً نگاه به آن حرام نیست به بدن متصل باشد ممکن است که تحریک بکند لذا فاضل مقداد و امثال ایشان فتوا به حرمت دادند چون این نگاه، طلیعه معاصی دیگر است؛ تعبیر زنجشیری در کشاف این است که «النَّظَرُ بَرِيدُ الزَّانِي»^۷ برید یعنی قاصد؛ نگاه به نامحرم قاصد و پیام‌آور معصیت است.

يك بحث در این است که زن سترش چقدر واجب است آیا می‌تواند دستش را وجهش را بدون پوشش حرکت بدهد يك بحث در جواز نظر است اگر گفتند زن برای رفع حاجت می‌تواند با دست باز با روی باز حرکت کند معنایش این نیست که نامحرم هم می‌تواند به دست و صورت او نگاه کند این عدم وجوب ستر است نه جواز نظر

۴. بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۳۹ و ۴۰.

۵. الکشاف، ج ۳، ص ۲۳۰.

برای مرد، خب اگر ببیند مرد نگاه می‌کند که خب باید بیوشاند ﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا﴾ بعد فرمود: ﴿وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ﴾ در جاهلیت این طور نبود اینها گریبان و گردن را باز می‌گذاشتند اسلام آمده فرمود روسری بگذارید (يك) این روسری باید به قدری وسیع و جامع باشد که هم سر را بیوشاند (يك) هم جَبَد و گردن را بیوشاند (دو) هم جَبَد و گریبان را بیوشاند (سه) جَبَد یعنی گریبان وقتی به وجود مبارك موسی فرمود: ﴿وَأَدْخِلْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ﴾ یا ﴿اسْلُكْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ﴾ یعنی دستت را در گریبان بگذار ﴿تَخْرُجَ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ﴾^۶ در مفردات راغب متأسفانه «جَبَد» قبل از «جوب» آمده^۷ با اینکه آن یایی است مؤخر از واو است.

سرّ تکرار ﴿لَا يُبْدِينَ﴾ به جهت بیان دو مطلب

به هر تقدیر فرمود: ﴿وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ﴾ خُمُر یعنی مقنعه ﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ﴾ اینجا دو مسئله است و دو مطلب و سرّ تکرار ﴿لَا يُبْدِينَ﴾ هم همین دو مطلب است. یکی ناظر به این است که چقدر را باز کند برای عموم این مربوط به زینت ظاهر است یعنی مواضع زینت که ظاهر است یکی اینکه مواضع زینت آن مقداری که حالا ظاهر نیست آن مقدار را برای چه کسی می‌تواند ظاهر کند؟ برای محارم، پس موضع ظاهر زینت را که وجه و کفان است می‌تواند ظاهر کند برای همه منتها نگاه همه جایز نیست این چنین نیست که این آیه درصدد تجویز نظر باشد درصدد عدم وجوب ستر است درصدد جواز اِبداست اگر يك زن ببیند که نامحرمی دارد نگاه می‌کند آن وقت بر او لازم است که اِدا نکند اما آن مواضع خفیّه مثل خود گریبان مثل دست مثل بدن اینها که دیگر ما ظَهَرَ نیست ما بَطَن و ما خفیّ است آنها را برای چه کسی می‌تواند ظاهر بکند فرمود: ﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا﴾ سرّ تکرار ﴿لَا يُبْدِينَ﴾ برای اینکه دو مطلب کاملاً از هم جداست نمی‌شد با يك بار دو استثنایی که ناهماهنگ است کنار هم قرار بگیرند ﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا﴾ آن ﴿مَا ظَهَرَ مِنْهَا﴾ در جاهلیت معیار نیست ﴿مَا ظَهَرَ مِنْهَا﴾ در اسلام

۶. سوره نمل، آیه ۱۲؛ سوره قصص، آیه ۳۲.

۷. المفردات (راغب اصفهانی)، ص ۲۱۰.

معیار است به شهادت اینکه در جاهلیت گریبان باز بود ولی الآن فرمود: ﴿وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ﴾ اگر فقط می‌فرمود «و لا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» این منصرف می‌شد به فضای جاهلی، فضای جاهلی سر باز گردن باز گریبان باز، فرمود این چنین نباشد آن قسمتهایی که باز بود آن سه قسمت کاملاً باید بسته باشد به استثنای این سه قسمت بقیه بدن که خب با لباس پوشیده است این سه قسمت باز بود یعنی موی سر معلوم بود گردن معلوم بود گریبان هم معلوم بود فرمود این سه قسمت را باید بیوشانید بقیه که دست تا مچ و صورت است این عیب ندارد یعنی ابدای آنها عیب ندارد نه نظر نامحرم جایز است.

علت ذکر جواز اظهار مواضع باطن زینت برای برخی محارم

﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ﴾ یعنی آن مواضع باطن ﴿إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ﴾ برای همسران خودشان ﴿أَوْ آبَائِهِنَّ﴾ برای پدرانشان ﴿أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ﴾ برای پدر شوهرشان ﴿أَوْ أَبْنَاؤِهِنَّ﴾ برای فرزندان ایشان ﴿أَوْ إِخْوَانِهِنَّ﴾ برای برادرانشان ﴿أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ﴾ برای برادرزاده‌هایشان ﴿أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ﴾ برای خواهرزاده‌هایشان ﴿أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ﴾. در بین محارم اعمام و احوال مطرح نشدند نفرمود برای عموها و برای دایی‌ها با اینکه آنها هم محرم‌اند گفتند برای اینکه درست است که عمو محرم است دایی محرم است ولی عموزاده نامحرم است دایی‌زاده نامحرم است ممکن است عمو و دایی این خانم را ببینند و برای فرزندان‌شان معرفی کنند که نامحرم از وضع اینها باخبر بشود برخی از محارم را هم قرآن کریم ذکر نکرده است گرچه آنها نباید چنین کاری بکنند یا نمی‌کنند ولی ادب دینی اقتضا می‌کند که فضای جامعه فضای عفت باشد آن وقت این می‌شود يك جامعه دینی و راحت.

اگر برادر برای برادرزاده بخواد وصف کند محرمی برای محرم وصف می‌کند ﴿بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ﴾ هم همین طور است.

جواز اظهار زینت نزد زنان مسلمان و ملك یمین

﴿أَوْ نِسَائِهِنَّ﴾ زن درست است که برای زن محرم است ولی زن مسلمان مجاز نیست که خود را برای زنی که غیر مسلمان است نشان بدهد زیرا ممکن است آن زن کافره این زن مؤمنه را ببیند و برای نامحرما وصف کند لذا حضور زن مسلمان در مهمانیهایی که زن غیر مسلمان حضور دارد باید طوری باشد که آن زن غیر مسلمان از کیفیت بدنی این زن مسلمان آگاه نباشد زن مسلمان برای زن مسلمان محرم است ﴿أَوْ نِسَائِهِنَّ﴾ این رعایت ادب و عفت عمومی. ﴿أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ﴾ این ﴿مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ﴾ تکرار نیست زنهای مؤمن در برابر مردها همین صور استثنایی است که در آیات آمده و یا عمو و دایی است که در روایات هم آمده اما زن بخواهد خود را برای زن دیگر نشان بدهد و بیاراید اگر آن زن مسلمان باشد این زن می تواند اما اگر آن زن مسلمان نبود کافره بود در صورتی که ملك یمین این زن باشد می تواند پس ﴿مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ﴾ خصوص اِما و کنیز مراد است نه خصوص عبید (يك) نه اعم از عبید و اِما (دو) بلکه خصوص کنیز مراد است. دوم اینکه این تکرار نیست درست است کنیز، زن است و ﴿نِسَائِهِنَّ﴾ هم زن لکن ﴿نِسَائِهِنَّ﴾ زنهای مؤمن اند اِما اعم از مؤمنه و کافره است پس اگر زن، کافره باشد در صورتی که کنیز این خانم باشد این خانم می تواند خودش را به او نشان بدهد و اگر کنیز او نباشد مشکل دارد که این زن خودش را نشان او بدهد.

پرسش:....

پاسخ: بله، اینکه ﴿نِسَائِهِنَّ﴾ گفتند برای همین است دیگر، برای اینکه زن مؤمنه مواظب چشم و گوشش هست دیگر، اول دستور چشم و گوش را داد به مؤمنات بعد فرمود در چنین فضایی زن مؤمنه می تواند زن مؤمنه دیگر را ببیند بعد از اینکه زبان را دستور داد چشم را دستور داد گوش را دستور داد آن گاه فرمود در چنین فضایی ﴿أَوْ

نِسَائِهِنَّ﴾.

پاسخ: خب حالا آن گستره کار را که با این تعبیری که در اول فرمود: ﴿قُلْ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾ شامل خواهد شد در فضایی که فرمود چشم باید امین باشد گوش باید امین باشد اعضای بدن باید امین باشد اینها را در این فضا فرمود محرم شما هستید می‌توانید به آنها نشان بدهید و آنها هم می‌توانند نگاه کنند خب.

عدم وجوب ستر از طفل و رجال سفیه

پس ﴿أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ﴾ این اختصاص دارد به خصوص کنیزها، چه اینکه در آیه شش سوره مبارکه «مؤمنون» هم همین طور بود؛ در آیه پنج و شش سوره «مؤمنون» به این صورت بود ﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِأُزْوَاجِهِمْ حَافِظُونَ * إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ﴾ اگر کنیز مرد باشد این مستثناست اما اگر عبد يك زن باشد در عین حال که ملك یمین است مستثنا نیست اینجا هم همین طور است ﴿أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ﴾ خصوص کنیزها را می‌گوید نه اعم یا خصوص عبد لذا در ردیف ﴿نِسَائِهِنَّ﴾ آمده این زنهایی که کنیز زنهای مؤمنه‌اند می‌توانند آنها را ببینند ولو کافره باشند اگر عبد بود در ردیف آن رجال استثنا می‌شد ولی چون إماء است در ردیف نساء استثنا شده است. ﴿أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولَى الْأَرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ﴾ یا بعضیها هستند همراهانی‌اند که در اثر سفاهت در اثر ادراک کم، اینها اهل شهوت نیستند و تشخیص نمی‌دهند اینها نگاه اینها با عدم نگاه اینها یکسان است چون صرف نگاه، حرمت ذاتی ندارد آن نگاهی که باعث تحريك می‌شود مشکل دارد اگر کسی در اثر سفاهت فقدان آن قوه شهوی و ضعف درك، نگاه او مثل عدم نگاه است فرمود اینهایی که جزء همراهان خانوادگی شما هستند و فقط جزء خدمه‌اند کاری از آنها ساخته نیست فقط خدمتگزاری، اینها هم می‌توانند ببینند چون دیدن اینها مثل عدم دیدن است.

﴿أَوِ التَّابِعِينَ﴾ که ﴿غَيْرِ أُولَى الْإِرْبَةِ﴾ هستند إِرْبُهُ یعنی حاجت، جمعی هم إِرَب است اینها حاجتی به جنس مخالف ندارند اصلاً ﴿غَيْرِ أُولَى الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ﴾ هستند مرد هستند ولی اوصاف مردانگی و شهوت در اینها نیست ﴿أَوِ الطُّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ﴾ کودکانی که هنوز نمی فهمند زن و عورت زن و بدن زن و زیبایی زن یعنی چه چون اگر خود این کودک به حدّ تشخیص برسد در همین آیات بعدی این سوره مبارکه «نور» به پدر و مادرها دستور می دهد که به فرزندانتان بگویند که سه وقت از اوقات شبانه روز وارد اتاق مخصوص پدر و مادر نشوند مگر اینکه اذن قبلی باشد که آنها خودشان را جمع کنند جامه را در بر بکنند آنها بیایند^۸ حتی بچه های آدم اگر اهل تمیز و ادراک بودند به آنها باید آموزش داد که سه وقت از شبانه روز وارد اتاق مخصوص پدر و مادر نشوند لذا فرمود: ﴿أَوِ الطُّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا﴾ یعنی اطلاع پیدا نکردند حالیشان نیست از این مسائل ﴿عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ﴾ خب حالا این برای نشان دادن.

بیان نحوه مشی و تکلم زنان در جامعه

نحوه مشی و حرکت زنها در جامعه چگونه باشد؟ فرمود اینها که راه می روند همان طوری که مردانه باید حرف بزنند مردانه باید راه بروند؛ فرمود زنانه حرف نزنند؛ اینکه در سوره مبارکه «احزاب» فرمود: ﴿فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيْطَمَعُ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا﴾^۹ یعنی حرف خوب بزنید (يك) خوب حرف بزنید (دو) مردانه حرف بزنید نه زنانه (سه) با رِقَّت و نازك گفتاری و نازك رفتاری این طوری حرف نزنید ولو «من وراء حجاب» باشد خدای سبحان آن جاذبه ای که ایجاد کرده این ممکن است که در معرض فساد قرار بگیرد همان تعبیر زخمخشی که «النظر» برید الزنی^{۱۰} این پیام آور معصیت است فرمود حالا که می خواهند در جامعه راه بروند ﴿وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ

۸. سوره نور، آیه ۵۸.

۹. سوره احزاب، آیه ۳۲.

۱۰. الکشاف، ج ۳، ص ۲۳۰.

مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ» در فضای جاهلی زینتها را گاهی به دست گاهی به پا گاهی به گوش و گاهی به چهره و اینها نصب می‌کردند فرمود این خلخالی که در پا برای زینت گذاشتند طرزی راه نروند که این خلخالها حرکت کند صدا کند و بیگانه را تحریک کند ﴿وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ﴾ پاها را محکم به زمین نزنند همان طوری که حرفهای اینها نباید رقیق باشد پاهای آنها نباید در رفتن محرک باشد ﴿وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ﴾ تا معلوم بشود که اینها دارای چنین زینتی‌اند و تحریک بشود.

حکم نگاه زن به مرد نامحرم

مسئله نگاه مرد به زن مشخص است اما زن به مرد که آیا می‌تواند نگاه کند یا نه، روایات فراوانی هست آن قصه ابن امّ مکتوم که نابینا بود وارد محضر پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) شد دو خانم آنجا بودند حضرت به هر دو فرمود: «احتجبا» رو بگیرید یعنی نگاه نکنید یا فاصله بگیرید عرض کردند او که نابیناست فرمود شما که بینا باشید.^{۱۱} از این روایت ابن امّ مکتوم نابینا معلوم می‌شود زن هم حق ندارد مرد را نگاه کند گرچه این روایت را گفتند سند معتبری ندارد یا آنچه از صدیقه کبرا (سلام الله علیها) رسیده است که بهترین زن آن است که کسی او را نبیند او هم کسی را نبیند^{۱۲} این هم گفتند مرسله است سند فقهی نخواهد بود لکن از مجموعه اینها به دست می‌آید همان طوری که مرد نمی‌تواند نگاه کند مگر به طور عادی، زن هم نمی‌تواند نگاه کند مگر به طور عادی حالا اگر جوانی متأسفانه با دست لخت حرکت کرده آیا زن می‌تواند این بازوی لخت پسر جوان را ببیند یا نه؟ اگر به طور عادی باشد که ﴿غَيْرِ أُولَى الْأَرْبَةِ﴾ است محذوری ندارد اما اگر ببیند که - خدای ناکرده - همین بیان لطیف زمخشری که «النظرَ برید الزنی»^{۱۳} بشود این هم نباید نگاه کند.

۱۱. مکارم الأخلاق، ص ۲۳۳.

۱۲. مکارم الأخلاق، ص ۲۳۳؛ کشف الغمّه، ج ۱، ص ۴۶۶.

۱۳. الکشاف، ج ۳، ص ۲۳۰.

اعم بودن كلمه مؤمنون و شمول آن بر مؤمنات

خب، ﴿وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ اینجا مؤمنون در قبال مؤمنات نیست آنجا که وظایف خاصه برای دو گروه بود وظیفه مؤمنین جدا وظیفه مؤمنات جدا اما اینجا که توبه إلى الله است رجوع الى الله است ادراك محضر ذات اقدس الهی است ادراك به اینکه ﴿أَنَّ اللَّهَ يَرَى﴾^۱ اینجا دیگر مخصوص مرد یا زن نیست بنابراین این مؤمنون منظور اعم از مؤمنون و مؤمنات است بر خلاف آنچه در صدر آیه آمده ﴿وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾.

«و الحمد لله رب العالمين»

۱. سوره علق، آیه ۱۴.